

بسمه تعالی

تأمل برای تعامل - شماره ۴۰

جریانهای سیاسی و درسهای از کربلا:

(ما در کدام جبهه ایم)؟

۱- لائیسزم، بمفهوم نداشتن یک اعتقاد مشخص و یک مکتب فکری، در عمل امری محال و دروغی مغلطه آمیز است. چون انسان خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر امیال و خواسته هائی است که اندیشه ای مثبت یا منفی را در او بوجود آورده و شخصیت و حیثیت فردی او را تعیین می نماید.

۲- سکولاریسم، بمفهوم عدم دخالت اندیشه های فکری و اعتقادی در جریانهای اجتماعی (نظیر سیاسی، اقتصادی، هنری و غیره) نه ممکن است و نه عقلانی، زیرا اعمال انسان در هر لحظه تحت فرمان افکار و اعتقادات مثبت و منفی اوست و آزادی انسان در همین مقوله قابل طرح می باشد و تصور عمل بدون انگیزه محال است.

۳- لیبرالیسم، بمفهوم آزادی انسان، در فرهنگ یک بعدی و مادی گرای غربی به مفهوم آزادی بعد حیوانی انسان (نفس اماره) از بعد الهی (نفوس لوامه و مطمئنه) اوست، اما در فرهنگ الهی اسلام، آزادی انسان به مفهوم آزادی نفوس رحمانی انسان (نفوس عقلانی و روحانی) از نفس حیوانی و غریزی اوست.

۴- جنگ در دو جبهه قابیلیان و هابیلیان، فرعونیان و موسویان، یزیدیان و حسینیان، قبل از آنکه تاریخی و اجتماعی باشد، فردی است و در درون هر یک از ما این جنگ برپاست. جنگ بین فرماندهی و امامت عقل الهی که به حکمت و نزاهت و رضایت و کرامت هدایت می کند و نفس بهیمی که به فساد و خونریزی فرمان میراند.

۵- جعل واژه هائی نظیر چپ و راست، محافظه کار و انقلابی، که از فرهنگ غربی تقلید و ترجمه شده است، در باطن جز مغلطه ای برای فریب ساده دلان و ظاهر بینان نیست، زیرا قبل از طرح چپ و راست و محافظه کار و انقلابی، باید بدانیم محتوی و مبنای خواسته ها و انگیزه های ما یزیدی است یا حسینی.

۶- جبهه حسینیان تاریخ، جبهه وحدت است، یک راه و یک جبهه بیشتر نیست و آن اسلام ناب محمدی (ص) است که پیامبر اکرم (ص) در دو بعد « کتاب الله » و « عترتی اهل بیتی »، تبیین نموده اند. نقشه راه، کتاب الهی است و مقصد و فرمانده، انسان کامل و عقل کل. جبهه حسین (ع)، جبهه همه پیامبران الهی و حکمای ربانی و تضمین کننده و تحقق بخش همه ارزشهای انسانی و آمال و آرزوهای به حق ارزشمداران و عدالتخواهان تاریخ بشری است.

۷- جبهه یزیدیان تاریخ، همچون جامعه حیوانی جبهه کثرت است. همه ارزش ستیزان، و ستم خیزان تاریخ در این جبهه جمع اند. سردمداران زر و زور و تزویر، (ناکثین و مارقین و قاسطین) منادیان کفر و شرک و نفاق، همه مدعیان دروغین و بدعت گرایان مکتب ساز و دنیا خواهان هوا پرست در این جبهه مشترکند. همه فسادها و ستم ها و جنایت ها، محصول سر سپردگان این جبهه ننگین و شرم آور همیشه تاریخ است.

۸- در این هم آورد عظیم تاریخی، بی طرف وجود ندارد. اگر در صحنه « ماهی گرفتن بنی اسرائیل در روز ممنوع » تماشاچی باشید، در محاکمه عدل الهی محکوم عذابید. خود را نفریبیم، در محکمه الهی باطن ما برملا می شود و فریب راهی ندارد. باید بدانیم، ما در کدامین جبهه و هم آورد کدام جبهه ایم؟ حسین(ع) یا یزید؟

۹- خدا را شاکریم که در عصر ما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی مبتنی بر قانون اساسی و اصل متبرک ولایت فقیه، تکلیف در جبهه داخلی روشن شده است و اکنون که طلیعه چهارمین دهه از پیروزی آنرا سپری می نمائیم، پشتوانه عظیمی از فداکاری و ایثار مردم حسینی خود را در مقابل یزیدیان زمان، از جبهه های کفر و شرک و نفاق داخلی و خارجی شاهدیم و این نهال سرافراز، درخت بالنده و پر ثمری گشته است.

۱۰- در عصری که دین و دین داری در حوزه های فردی و اجتماعی در اکثر نقاط جهان به فراموشخانه تاریخ سپرده شده بود و جز ظاهری بی مایه و مردم فریب از آن چیزی باقی نمانده بود، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در جبهه خارجی، کاخهای ستم و فساد را به لرزه افکند و یزیدیان زمان، که مدعی پایان تاریخ به نفع شیطان بزرگ، استکبار جهانی آمریکا و صهیونیسم پیامبر کش بودند، قامت برافراشته حسینیان زمان را دیده و تجربه کرده و می نمایند.

۱۱- خواهر و برادر دانشگاهی؛ فریاد « هل من ناصر » حسینی در قتلگاه عاشورا، فلسفه تاریخ بشری را ندا می دهد، که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» جهان میدان نبرد حق و باطل، عدل و جور، ارزشها و ضد ارزشها است، در این نبردگاه، بی طرف و تماشاچی راهی ندارد. ما از درون و بیرون در هر لحظه در این نبردگاه سرنوشت ساز به سر می بریم، در هر اندیشه و عمل خود باید پرسید من حسینی می اندیشم و عمل می کنم یا یزیدی؟ ارزشمدارم یا ارزش ستیز؟

۱۲- خواهر و برادر دانشگاهی، به عصر حاضر نظر افکنید، میدان کارزار کاملاً روشن است، در یک طرف پیامبر کشان و امام کشان تاریخ، در نهایت دروغ و تزویر، فساد و فحشاء و خیانت و جنایت، هستی نکبت بار و سراسر ظلم خیز خود را در غزه و فلسطین، در لبنان و عراق و افغانستان و در پهنه جهان گسترده اند. تکلیف ما چیست؟ ما در کدام جبهه ایم؟ اگر در جبهه حسینیان هستیم، که هستیم باید در هر لحظه و در هر اندیشه و عملی، در حیات فردی و اجتماعی خود در تحقق ارزشها و زدودن ضد ارزشها با دوری از تفرقه و حفظ وحدت و برادری، حسینی باشیم و با حسینیان باشیم.

اما دوستان دانشگاهی؛ پایان تاریخ هرگز آنگونه که ستمگران ترسیم کرده اند نخواهد بود بلکه پایان تاریخی که خداوند حکیم ترسیم نموده است، پایان جنگ و خونریزی و ظلم و فساد و سرآغاز صلح و برادری و تحقق ارزشها و پیروزی ارزشمداران است. این وعده قطعی همه انبیاء و اولیاء الهی است و وعده خداوند تخلف ناپذیر است و به دست میراث دار همه آنها، قائم آل محمد (عج) و موحدین شجاع تحقق خواهد یافت. پیروزی بشارتتان باد.

تأمل برای تعامل مطالبی است بدیهی و منطقی برای اقشار دانشگاهی و نیازمند نظرات شما:

«ان تنصروا الله ینصرکم»
(مشاور فرهنگی)